



جمهوری اسلامی ایران

معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور

سازمان نقشه برداری کشور



شیوه نامه آوانگاری کلی نام های جغرافیایی ایران

کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نام های جغرافیایی ایران

پائیز ۱۳۹۱

آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران

مقدمه

شیوه آوانگاری کلی (واج‌نویسی) نام‌های جغرافیایی ایران، تلفظ صحیح و همسان نام‌های جغرافیایی را برای عموم کاربران امکان‌پذیر می‌سازد. از این‌رو درج اطلاعات آوایی در نقشه‌ها، اطلس‌ها، فرهنگ‌ها، دانش‌نامه‌ها، واژه‌نامه‌های جغرافیایی، کتاب‌ها و سایر مستندات گامی مهم در استانداردسازی اسامی اماکن و عوارض جغرافیایی تلقی می‌شود. برای نیل به این منظور، در شیوه آوانگاری نام‌های جغرافیایی از نشانه‌هایی برای نمایش آواها استفاده شده است که علاوه بر انطباق با قواعد علمی آواشناسی، از سادگی و قابلیت اجرایی نیز برخوردار باشند. شیوه‌ی مذکور که متناسب با الزامات و مقتضیات زبان فارسی ارائه‌گردیده، امکان تلفظ دقیق نام‌های جغرافیایی به فارسی رسمی را فراهم می‌سازد. در شیوه‌ی آوانگاری نام‌های جغرافیایی ایران، از علائم و نمادهای لاتین استفاده گردیده است. این ویژگی موجب می‌شود تا به‌عنوان روشی برای تبدیل نگارش فارسی مکان‌ها به نگارش لاتین مطرح‌گردد. از این‌رو همه کاربران در ایران و نیز دیگر نقاط جهان قادر خواهند بود از این شیوه‌ی لاتین‌نویسی برای نگارش و تلفظ نظام‌مند و صحیح اسامی جغرافیایی بهره ببرند.

بکارگیری شیوه‌ی واحد آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی در مراکز آموزشی و پژوهشی، دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی مرتبط، مراکز تولید نقشه، و نیز مؤسسات جغرافیایی ضرورتی است که می‌تواند از بروز تغییر و تحریف در نگارش و تلفظ مکان‌ها جلوگیری کرده و موجبات حفظ نام‌های جغرافیایی به‌عنوان میراث فرهنگی و هویت جغرافیایی را فراهم‌سازد. از سوی دیگر به‌دلیل نقش و کارکردهای متنوع اسامی اماکن و عوارض جغرافیایی به‌ویژه در جغرافیای سیاسی، اجرای موفق شیوه‌ی آوانگاری نام‌های جغرافیایی در کشور علاوه بر پیامدهای مثبت داخلی می‌تواند منافع کشورمان در عرصه بین‌الملل را نیز تضمین نماید.

تاریخچه

به‌منظور دستیابی به شیوه‌ای علمی و قابل اتکا در زمینه ثبت نام‌های جغرافیایی (مکان‌ها) در نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی، در سال ۱۳۶۶ کمیته‌ای متشکل از استادان مراکز علمی و دانشگاهی کشور در رشته‌های جغرافیا، تاریخ، و زبان‌شناسی و همچنین متخصصان سازمان نقشه‌برداری کشور ایجاد گردید. نتایج کار این کمیته در قالب دستورالعمل آوانویسی نام‌های جغرافیایی ارائه‌شد.

پس از آن با تشکیل کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران در سال ۱۳۷۹، کارگروه آوانگاری این کمیته وظیفه تکمیل دستورالعمل مذکور را برعهده گرفت. سرانجام در سال ۱۳۸۲، نظام آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران تدوین گردید تا به‌صورت عملی در زمینه ثبت نام‌های جغرافیایی در نقشه‌ها و نیز پایگاه‌های داده استفاده‌شود. این کارگروه همچنین با رعایت همه ملاحظات ملی و بین‌المللی، به تدوین روش‌های اجرایی مربوطه اقدام نمود.

شیوهی آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران از سوی سازمان نقشه‌برداری کشور، به‌عنوان مسئول کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران، برای تصویب به گروه متخصصان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل ارائه شد. شیوهی پیشنهادی، در نشست‌های متعدد آن سازمان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و سرانجام در نهم آگوست ۲۰۱۲ در دهمین کنفرانس بین‌المللی استانداردسازی نام‌های جغرافیایی به‌عنوان یکی از شیوه‌های لاتین‌نویسی مورد قبول سازمان ملل، به تصویب رسید.

خصوصیات نگارش فارسی

شیوهی نگارش فارسی، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- بعضی از حروف الفبای فارسی در تناظر با بیش از یک آوا هستند. به‌عنوان مثال، حرف «ی» هم با آوای [i] در تناظر است و هم با [y]؛ «ه» هم با آوای [e] ارجاع می‌شود و هم به [h]؛ همچنین حرف «و» با سه آوای [u]، [o]، و [v] در تناظر است.
- برخی از حروف الفبای فارسی متمایز، دارای آوایی واحد هستند. به‌عنوان نمونه، چهار حرف «ز»، «ذ»، «ض»، و «ظ»، همگی، در تناظر با آوای [z] قرار دارند؛ و سه حرف «ث»، «س»، و «ص» به آوای [s] برمی‌گردند.
- نیمی از واژه‌های زبان فارسی (دست کم، در شرایط عادی) در هنگام نوشتن ظاهر نمی‌شوند. سه آوای [a]، [e]، و [o] هنگام قرائت متون فارسی، معمولاً، حدس زده می‌شوند، هر چند علائم زیروزبری برای آن‌ها وجود دارند. این امر موجب بروز ابهام‌هایی در خواندن برای افراد غیربومی می‌شود. مثلاً، کلمه «گرد» می‌تواند به یکی از سه صورت [gard] به معنی پودر، [gerd] به معنی دایره‌ای، یا [gord] به معنی پهلوان خوانده شود.
- برخی از حروف که در املاهای تاریخی، الزاماً، نوشته می‌شوند، عملاً، خوانده نمی‌شوند. مثلاً حرف «و» که در نام‌هایی مانند «برخوار» و «خواف» خوانده نمی‌شود.
- اکثر حروف فارسی در بافت‌های نوشتاری گوناگون، تغییر شکل می‌دهند. مثال خوب این مورد، «ع» است که در نام‌های «عسلویه»، «قلعه»، «بقیع»، و «زارع آباد» به چهار شکل ظاهر شده است.
- زیرمجموعه‌های متعددی در جمع حروف الفبای فارسی قابل تشخیص‌اند که اعضای‌شان تنها در جزئیاتی کوچک، در صورت و شکل ظاهری، با یکدیگر متفاوت هستند. معمولاً، وجود یا نبود یک نقطه یا جزئی کوچک در این حروف، سبب ایجاد تمایزاتی عمده می‌شود. در این مورد مثال‌های «ب»، «پ»، «ت»، و «ث»، از یک سو، و حروف «ک» و «گ»، از سوی دیگر، قابل ذکر هستند.
- علاوه بر موارد فوق، دو واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت نخست این که نوشتار فارسی بر مبنای لاتین نیست و دوم این که کلمات فارسی از راست به چپ نوشته می‌شوند.

واژه‌ها و اصطلاحات

زبان‌شناسی (Linguistics) علمی است که به مطالعه و بررسی روش‌مند زبان می‌پردازد.

آوا، به صداها و گفتاری اطلاق می‌شود.

آواشناسی (از واژه یونانی phone به معنی صدا یا صوت)، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه اصوات گفتار انسان مربوط می‌شود. در آواشناسی به خواص فیزیکی و آکوستیک اصوات گفتاری پرداخته می‌شود. آواشناسی با نحوه‌ی تولید و نیز چگونگی درک آواها ارتباط دارد.

فونتیک (آوایی) در مورد الفبا به این معنی است که هر آنچه نوشته می‌شود دقیقاً به همان صورت، بدون کم و زیاد، خوانده شود.

آوانویسی فونتیک سیستمی برای نوشتن آوای اصوات است که در زبان گفتاری یا زبان ایمایی ایجاد می‌شود. در معروف‌ترین سیستم آوانویسی فونتیک یعنی الفبای آوایی بین‌المللی (IPA¹)، از تناظر یک به یک بین آواها و نمادهای نوشتاری استفاده می‌شود.

واج کوچک‌ترین واحد صوتی تمایزبخش است که جایگزین کردن یکی با دیگری در معنی واژه تغییر ایجاد می‌کند. برای نمونه /پ/ و /ب/ در واژه‌هایی مانند «پاک» و «باک» باعث دگرگونی معنایی می‌شوند. باید توجه شود که واج با حرف متفاوت است. حرف صورت مکتوب واج است و واج صورت ملفوظ حرف. بعضی واج‌ها صورت مکتوب ندارند مانند مصوت‌های کوتاه در خط فارسی. همچنین در فارسی تنها یک واج با صدای «ت» وجود دارد و دو حرف ت و ط در الفبای فارسی، به صورت یکسان (به صورت ت) تلفظ می‌شوند. در زبان فارسی ۲۹ واج وجود دارد که به دو دسته واکه (صدادار، مُصَوّت) (۶ واج) و همخوان (بی‌صدا، صامت) (۲۳ واج) تقسیم می‌شوند.

واج‌شناسی یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی است که به بررسی و مطالعه‌ی عملکرد واج‌ها و تنظیم آن‌ها در یک نظام آوایی می‌پردازد.

واکه (Vowel) در آواشناسی، صدائی در زبان گفتاری است که با ویژگی وضعیت باز مجرای صوتی شناخته می‌شود و برای آن هیچ فشار هوایی در بالای حنجره ایجاد نمی‌گردد. شش واکه در زبان فارسی وجود دارد. واکه‌های کوتاه سه تا هستند [زبر (/ə/)، زیر (/ɪ/)، پیش (/i/)]. واکه‌های بلند نیز سه تا هستند (آ، او، ای).

همخوان (Consonant)، صدایی گفتاری است که در اثر جمع‌شدن یا بسته‌شدن یک یا چند نقطه از مجرای صوتی بالای حنجره ایجاد می‌شود. همخوان‌های زبان فارسی عبارتند از: (ء، ع) - ب - پ - (ت، ط) - (ث، س، ص) - ج - چ - (ح، ه) - خ - د - (ذ، ز، ض، ظ) - ر - ژ - ش - (غ، ق) - ف - ک - گ - ل - م - ن - و - ی.

علائم آوانگاری کلی

در جداول ارائه شده در صفحه‌های بعد، علامت‌ها و نشانه‌های لازم برای نگارش کلی همخوان‌ها (بی‌صداها)، و واکه‌ها (صدادارها) در زبان فارسی ارائه گردیده‌اند. در این جداول همچنین علائم معادل در الفبای بین‌المللی فونتیک (IPA)، و الفبای نگارش فارسی به همراه مثال‌های کاربردی درج شده‌اند.

¹ International Phonetic Alphabet

علائم برای همخوان‌های زبان فارسی

مثال‌ها		معادل IPA	علامت	علائم و حروف معادل در نگارش فارسی				ردیف
آوانوشت	املای فارسی			آخر	میانه	آغازین	مستقل	
/Ziyā'/	ضیاء	[ʔ]	/ʔ/	ء				۱
/Ma'muniye/	مأمونیه			أ				
/Qā'emšahr/	قائم‌شهر					ئ		
/Se'ul/	سنول				ئـ			
/Mo'menābād/	مؤمن‌آباد	[ʔ]	/ʔ/	ؤ			ؤ	۲
/ Ābādān/	آبادان	[a]	/ā/	ا			آ، ا	۳*
/Bābol/	بابل	[b]	/b/	بب	بـ	بـ	بـ	۴
/Pāve/	پاوه	[p]	/p/	پپ	پـ	پـ	پـ	۵
/Takāb/	تکاب	[t]	/t/	تت	تـ	تـ	تـ	۶
/Mollāsāni/	ملاثنانی	[s]	/s/	ثث	ثـ	ثـ	ثـ	۷
/Jamārān/	جماران	[dʒ]	/j/	جج	جـ	جـ	جـ	۸
/Čālus/	چالوس	[tʃ]	/č/	چچ	چـ	چـ	چـ	۹
/Hājiābād/	حاجی‌آباد	[h]	/h/	حح	حـ	حـ	حـ	۱۰
/Xoy/	خوی	[χ]	/x/	خخ	خـ	خـ	خـ	۱۱
/Dārāb/	داراب	[d]	/d/	دد			د	۱۲
/Aškezar/	اشکذر	[z]	/z/	ذذ			ذ	۱۳
/Rašt/	رشت	[r]	/r/	رر			ر	۱۴
/Zābol/	زابل	[z]	/z/	زز			ز	۱۵
/Žarf/	ژرف	[ʒ]	/ž/	ژژ			ژ	۱۶
/Sarāb/	سراب	[s]	/s/	سس	سـ	سـ	سـ	۱۷
/Šemšak/	شمشک	[ʃ]	/š/	شش	شـ	شـ	شـ	۱۸

علائم برای همخوان‌های زبان فارسی

مثال‌ها		معادل IPA	علامت	علائم و حروف معادل در نگارش فارسی				ردیف
آوانوشت	املای فارسی			مستقل	آغازین	میانه	آخر	
/Sanābād/	صناباد	[s]	/s/	ص	ص	ص	ص	۱۹
/Zarqām/	ضرغام	[z]	/z/	ض	ض	ض	ض	۲۰
/Tāleqān/	طالقان	[t]	/t/	ط	ط	ط	ط	۲۱
/Nezāmābād/	نظام‌آباد	[z]	/z/	ظ	ظ	ظ	ظ	۲۲
/Qal'e/	قلعه	[ʔ]	/ʔ/	ع	ع		ع	۲۳
/Aliābād/	علی‌آباد	[ʔ]	بدون علامت			ع		۲۴
/Dāmqañ/	دامغان	[ɢ]	/q/	غ	غ	غ	غ	۲۵
/Farimān/	فریمان	[f]	/f/	ف	ف	ف	ف	۲۶
/Qom/	قم	[ɢ]	/q/	ق	ق	ق	ق	۲۷
/Kāšān/	کاشان	[k]	/k/	ک	ک	ک	ک	۲۸
/Gorgān/	گرگان	[ʃ] / [g]	/g/	گ	گ	گ	گ	۲۹
/Lār/	لار	[l]	/l/	ل	ل	ل	ل	۳۰
/Mašhad/	مشهد	[m]	/m/	م	م	م	م	۳۱
/Nur/	نور	[n]	/n/	ن	ن	ن	ن	۳۲
/Vardāvard/	وردآورد	[v]	/v/	و			و	۳۳
/Hamedān/	همدان	[h]	/h/	ه	ه	ه	ه	۳۴
/Yazd/	یزد	[j]	/y/	ی	ی	ی	ی	۳۵

* این واکه، تنها به‌دلیل رعایت ترتیب نمایش حروف الفبای فارسی در جدول آورده شده است.

علائم برای واژه‌های زبان فارسی

ردیف	علائم و حروف معادل در نگارش فارسی*	علامت	معادل IPA	مثال‌ها	
				املاي فارسي	آوانوشت
				بیرجند	/Birjand/
۲	بـ به	/e/	[e]	بهبهان ساوه	/Behbahān/ /Sāve/
۳	بـ	/a/	[æ]	پرنده	/Parand/
۴	بو	/u/	[u]	بوکان	/Bukān/
۵	بـ	/o/	[o]	بستان	/Bostān/
۶	با	/ā/	[ɑ]	آباد	/Ābāde/
۷	بی	/ey/	[ej]	بیرم	/Beyram/
۸	بو	/ow/	[ow]	گوهردشت	/Gowhardašt/

* (حرف «ب» جای هر همخوانی می‌نشیند)

نکات:

- ۱- پسوند ربط بعد از حرف بی‌صدا با علامت e- نشان داده می‌شود [گل سرخ /Gol-e Sorx/]، اما بعد از حرف بی‌صدای (ه) و نیز پس از حروف صدادار با علامت ye- نشان داده می‌شود مثل [محله‌ی بالا /Mahalle-ye Bālā/].
- ۲- برای حرفی که در نگارش فارسی دارای تشدید باشد، در شیوه‌ی آوانگاری کاراکتر معادل آن دوبار درج می‌گردد برای مثال [خرم درّه /Xorramdarre/].
- ۳- حرف فارسی (و) هنگامی که برای اتصال اجزای اعداد بزرگتر از ۲۰ به کار رود، چنانچه بعد از حرف بی‌صدا بیاید به صورت o- و چنانچه پس از حرف صدادار قرارگیرد به صورت yo- نمایش داده می‌شود. مانند [بیست و یک /Bist-o Yek/] ، [سی و یک /Si-yo Yek/].
- ۴- حرف فارسی (و) هنگامی که برای اتصال اجزای نام مکان به کار رود، چنانچه بعد از حرف بی‌صدا بیاید به صورت o- نوشته می‌شود [چهارمحال و بختیاری /Čāhārmahāl-o Baxtiyāri/] ، و اگر پس از حروف صدادار قرارگیرد بسته به نوع صدا متفاوت نمایش داده می‌شود. برای مثال: [شهرکی و نارویی /Šahraki-yo Nāru’i/] ، [مانه و سملقان /Māne va Samalqān/].

توصیف فنی زبان‌شناسی برای علائم همخوان در زبان فارسی

ردیف	علائم همخوان / واج‌های همخوان زبان فارسی	توصیف زبان‌شناختی
۱	/p/	همخوان انفجاری دولبی بی‌واک
۲	/b/	همخوان انفجاری دولبی واک‌دار
۳	/t/	همخوان انفجاری دندانی - لثوی بی‌واک
۴	/d/	همخوان انفجاری دندانی - لثوی واک‌دار
۵	/k/	همخوان انفجاری کامی بی‌واک
۶	/g/	همخوان انفجاری کامی واک‌دار
۷	/q/	همخوان انفجاری ملازی واک‌دار
۸	/ʔ/	همخوان انفجاری چاکنایی بی‌واک
۹	/f/	همخوان سایشی لبی - دندانی بی‌واک
۱۰	/v/	همخوان سایشی لبی - دندانی واک‌دار
۱۱	/s/	همخوان سایشی دندانی - لثوی بی‌واک
۱۲	/z/	همخوان سایشی دندانی - لثوی واک‌دار
۱۳	/š/	همخوان سایشی لثوی - کامی بی‌واک
۱۴	/ž/	همخوان سایشی لثوی - کامی واک‌دار
۱۵	/x/	همخوان سایشی ملازی بی‌واک
۱۶	/h/	همخوان سایشی چاکنایی بی‌واک
۱۷	/č/	همخوان انفجاری - سایشی لثوی - کامی بی‌واک
۱۸	/j/	همخوان انفجاری - سایشی لثوی - کامی واک‌دار
۱۹	/r/	همخوان لرزان لثوی واک‌دار
۲۰	/m/	همخوان خیشومی دولبی واک‌دار
۲۱	/n/	همخوان خیشومی دندانی - لثوی واک‌دار
۲۲	/l/	همخوان ناسوده کناری لثوی واک‌دار
۲۳	/y/	همخوان ناسوده کامی واک‌دار

توصیف فنی زبان‌شناسی برای علائم واکه در زبان فارسی

ردیف	علائم واکه / واج‌های واکه زبان فارسی	توصیف زبان‌شناختی
۱	/i/	واکه افراشته پیشین گسترده
۲	/e/	واکه نیمه‌افراشته پیشین گسترده
۳	/a/	واکه افتاده پیشین گسترده
۴	/u/	واکه افراشته پسین گرد
۵	/o/	واکه نیمه‌افراشته پسین گرد
۶	/ā/	واکه افتاده پسین گسترده
۷	/ey/	واکه مرکب نیمه‌افراشته پیشین بسته‌شونده
۸	/ow/	واکه مرکب نیمه‌افراشته پسین بسته‌شونده

کاربرد

دسترسی به نام‌های جغرافیایی صحیح، بدون ابهام و مصوب از طریق رسانه‌های کارآمد، مبنای ارتباطات ملی و بین‌المللی در عصر حاضر است. هر لحظه هزاران بار از کشورها، شهرها و روستاها، کوه‌ها، رودها، راه‌ها، و دیگر اماکن و عوارض جغرافیایی در رسانه‌های ارتباط جمعی نام‌برده می‌شود. امروزه با گسترش رسانه‌های مجازی، ضرورت توجه به بیان و نمایش صحیح مکان‌ها بیش از پیش احساس می‌گردد. از این‌رو، وجود فهرست آوانگاری موثق، به مجریان رسانه‌های خبری کمک خواهد کرد تا اسامی جغرافیایی مطرح‌شده در متن خبر را به درستی منتشر نمایند.

از سوی دیگر دسترسی به اطلاعات آوانگاری موجب خواهد شد تا نام‌های جغرافیایی در امور متنوع و مختلف کاربردی مانند تابلوهای راهنمای اماکن و معابر، سامانه‌های ناوبری زمینی، هوایی و دریایی، نشانی‌های پستی، اسناد ملکی، اسناد سجلی، اسناد تقسیمات کشوری، اسناد دیپلماتیک، و طرح‌های سرشماری به‌درستی ثبت گردند.

بی تردید، درج آوانگاری‌های کلی در نقشه‌ها، اطلس‌های جغرافیایی، فرهنگ‌ها، دانشنامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، کتاب‌ها، اسناد، نشریات علمی و آموزشی، و نیز در پایگاه‌های اسامی جغرافیایی، دسترسی کاربران به اطلاعات آوانی را تسهیل می‌کند.

ترویج فرهنگ استفاده از آوانگاری نام‌های جغرافیایی در کشور، مستلزم اهتمام جدی به امر اطلاع‌رسانی و آموزش شیوه علمی آوانویسی در مراکز آموزشی و نیز دستگاه‌های اجرایی ذیربط است. از سوی دیگر توسعه و بکارگیری امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای درج آسان علائم همخوان و واکه‌ای نظام آوانویسی، ضرورتی است که می‌تواند در گسترش کاربرد این نظام بسیار مؤثر واقع‌شود.